



ع. نایبخیل

چوپان بچه که

خود و اصلیت خویش را فراموش کرده است!

چندی قبل در سایت وزین ژواک «www.zhwak.com» ترجمه صحبت بارک اوباما کانديد ریاست جمهوری امریکا را در برلین مطالعه کردم.

وی در آغاز صحبت خویش با تشکری از دولت آلمان و آلمانیها به معرفی خویش به شکل بسیار خلاصه اقدام کرد و گفت: «من در ظاهر مشابه به امریکایی ها نیستم» وی ادامه میدهد که: «پسر یک چوپان بچه تبعه کنیا»، پدر بزرگش «آشپز و خدمت گار بریتانیایی ها» بوده است. در گوشه های فراموش شده از قاره ما (کنیا) زنده گی میکردند.

با مطالعه متن مذکور و ادامه صحبت وی در دفاع از جهان غرب «که باعث قتل و کشتار هزاران انسان بیگناه در سراسر جهان گردیده اند!» آیا این پسر بچه سیاه پوست که در آغوش پدر و پدر بزرگ فقیر و بی بضاعت خویش بزرگ شده و رنج و درد آنها را درک و احساس کرده، خودش هم با افتخار از گذشته های خود یادآور گردیده است که وی متعلق به طبقه زحمتکش و فقیر است، با تأسف، چگونه در حضور هزاران نفر باز هم در دفاع از سیستم سرمایه داری و لشکر کشی های وحشیانه امپریالیزم امریکا به کشورهای چون «افغانستان، عراق، یوگوسلاویا، کشورهای افریقایی و...» که باعث کشت و کشتار بیرحمانه گردیده اند و تاکنون ادامه دارد، در دفاع از طبقه ظالم قرار میگیرد و مهر تأیید به اعمال غیر انسانی آنها که حتماً خودش هم یکی از ادامه دهنده گان این راه خواهد بود و به یقین که هست، میگذارد!

اگر نمای بیرونی یی آقای اوباما «رنگ و جلد» وی مشابه به امریکایی ها نیست، درون مایه آن (مغز ، تفکر و خواسته های غیر انسانی) شباهت عظیمی به جنگ افروزی های بوش و ... دارد.

او در بخش دیگری از صحبت های خویش در رابطه به شکستن و فروریختن دیوار ها صحبت میکند، اما ایجاد دیوار بین «اسرائیل و فلسطین» وجدان این آقای که «در ظاهر مشابه به امریکایی ها نیست» را تکان نمیدهد و مهر خاموشی بر لب میزند. چون ایجاد کننده آن دولت خود وی است.

او در اولین صحبت هایش، با همان طرز تفکر غربی، به تاخت و تاز به کمونیزم و جهان کمونیستی پرداخته و از نشانه های مرمی ها، در دیوار های برلین یاد آوری میکند و میگوید که به حق درست است! اما آیا نشانه های مرمی های قوتهای تجاوزگر امریکا و ناتو را در اندام باشنده گان بی دفاع

کشورهای چون (افغانستان ، ویتنام، عراق ، یوگوسلاویا و ...) فراموش کرده اند؟ او باید بداند که حافظه تاریخ این جنایت ها را فراموش نخواهد کرد.

در بخش دیگری از صحبت های خویش میگوید: «خشخاش های افغانستان در برلین به هیرویین تبدیل میشود!». خوب است باز هم از دست داشتن غیر مستقیم قوت های غربی در تولید و تجارت هیرویین یاد آور شده است ممکن غیر آگاهانه بوده باشد که به یقین هم بود است با وجود هزاران سرباز قوت های امریکایی و ناتو در افغانستان، چگونه قدرتی وجود دارد که در برابر چشمان این نیرو های نظامی متجاوز و دولت پوشالی کرزی، خشخاش از افغانستان به آلمان منتقل (شاید توسط پرواز های شبانه غول پیکر نظامی خارجی از میدان هوایی بگرام) و در کارگاه های آلمانی به هیرویین تبدیل و در بازار های جهانی به فروش میرسد. پس بر علاوه دولت امریکا، دولت آلمان هم در کشت، زرع، تولید و قاچاق آن سهم و نقش مستقیم دارد!

وی در رابطه به هسته اتمی و تروریزم و ... صحبت های خود را ادامه داده اما یاد آور نگردید که :

- آیا این امریکا نبود که: برای اولین بار بم اتم را در جاپان امتحان کرد؟
 - آیا این امریکا نبود که: بالای ویتنام حمله تجاوز کارانه کرد؟
 - آیا این امریکا نبود و نیست که: بانی تروریزم و پشتیبان آن میباشد؟
 - آیا این امریکا نبود که: آسامه بن لادن را از سودان به افغانستان فرستاد؟
 - آیا این امریکا نبود که: در بالکان تجاوز کرد؟
 - آیا این امریکا نیست که: همه روزه تحت نام مبارزه علیه تروریزم، به کشتار هزاران هزار بیگناه در کشورهای دیگر دست میزند؟
 - آیا این امریکا نیست که: به خاطر بدست آوردن گاز و نفت دست به کشتار میزند؟
 - آیا این امریکا نیست که: در تلاش ایجاد پایگاه های نظامی در تمام کشورهای جهان میباشد؟
 - آیا این امریکا نیست که: تحت نام صدور دموکراسی! تمام آزادی ها و زنده گی بشریت را به خطر مواجه ساخته است، و تصمیم دارد که این کره خاکی را نابود کند؟
 - و ده ها سوال دیگر...
- از گفته های بارک اوباما به این نتیجه میرسیم که :
سال نیکو را از بهارش پیدا است؟